

پایان یک تردید

■ **نجمه کریمی پناه**

معلم پایه سوم دبستان دخترانه ناحیه ۱



نجمه کریمی پناه لیسانس ریاضی محض را از دانشگاه یزد گرفته است. وی که هفده سال سابقه تدریس در کلاس سوم را دارد، سال ۱۳۸۶ دوره کارورزی را در جوادالائمه (ع) گذرانده و از سال ۱۳۸۷ تاکنون مشغول تدریس در پایه سوم است.

سال هاست معلمی می‌کنم؛ اما بعضی لحظه‌ها هرگز از یاد نمی‌روند؛ لحظه‌هایی که به ما یاد می‌دهند یادگیری فقط در کتاب و دفتر خلاصه نمی‌شود.

در یکی از درس‌های فارسی، درسی درباره شهید حسین فهمیده داشتیم. به همین بهانه، در مورد ایثار و فداکاری صحبت کردیم. برای بچه‌ها توضیح دادم که حسین فهمیده نوجوانی بود که با شجاعت، برای دفاع از کشورش جانش را فدا کرد و به شهادت رسید.

روز امتحان فارسی، یکی از دانش‌آموزانم به خوبی به همه پرسش‌ها، از جمله سؤالی که در مورد حسین فهمیده بود، پاسخ داد و درباره او چنین گفت: «حسین فهمیده نوجوان فداکاری بود که خود را زیر تانک دشمن انداخت و...» وقتی امتحانش تمام شد و خواستم به او بگویم که سر جایش بنشینند، هنوز همان‌طور ایستاده بود. با نگاهی متفکرانه گفت: «خانم، شهید فهمیده مُرده؟»

آن لحظه، تردید و شک این دانش‌آموز در ذهنم حک شد. هنوز هم بعد از گذشت سال‌ها، آن لحظه که او در دل خود مردد بود که برود بشیند یا بماند و این سؤال را بپرسد، مثل تصویری زنده در ذهنم باقی است. این تردید، این شک، برایم حق شده است و همیشه به یادم می‌آورد که چقدر مهم است فضای کلاس به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان بتوانند بدون ترس پرسش‌هایشان را مطرح کنند.

ذهنم پر از سؤال شد. با خودم گفتم: «چه چیزی را در آموزش کم گذاشتم که این دانش‌آموز مفهوم شهادت را درست درک نکرده است؟» اما در همان حال، حس دیگری در دلم جوانه زد؛ حسی از شادی و قدردانی. خوشحال بودم که او در کلاس احساس امنیت می‌کند. دانش‌آموز من جرئت کرده بود، بی هیچ ترس و خجالتی، پرسش درونی‌اش را مطرح کند. همین یعنی محیط یادگیری مان امن بوده است؛ جایی که سؤال پرسیدن ارزش دارد و هیچ پرسشی خنده‌دار یا بی‌اهمیت نیست.

از آن روز به بعد، خیلی دقت کردم که رفتاری از خودم نشان ندهم که دانش‌آموزی در کلاس من در تردید باقی بماند و نتواند سؤالش را مطرح کند. تلاش کردم محیطی بسازم که هر دانش‌آموز با اطمینان و آرامش، هر سؤالی را که در دل دارد، مطرح کند. همیشه به خودم یادآوری می‌کنم که یادگیری واقعی در دل اعتماد و امنیت روییده می‌شود. ■

یادگیری امن

یادگیری امن به معنای ایجاد شرایطی است که دانش‌آموزان بدون ترس از قضاوت یا تنبیه بتوانند بپرسند و تجربه و اشتباه کنند. تشویق به پرسشگری و خلاقیت و نیز حمایت از تفاوت‌های فردی و احترام به افکار و نظرات دیگران از ویژگی‌های یادگیری امن است. برای تحقق یادگیری امن، لازم است از روش‌های آموزشی فعال و مشارکتی استفاده کنیم و با ایجاد فضای عاطفی مثبت که در آن، خطا بخشی از فرایند یادگیری محسوب می‌شود، به دانش‌آموزان فرصت رشد بدهیم.

واضح است که مدرسه امن و یادگیری امن دو روی یک سکه‌اند. بدون امنیت، یادگیری پایدار و عمیق شکل نمی‌گیرد. ایجاد چنین محیطی نیازمند همکاری عوامل مدرسه، اعم از مدیر، معلمان، دانش‌آموزان و حتی والدین است. در ادامه به امنیت ارکان حاضر در مدرسه، یعنی مدیر و معلم و دانش‌آموز، و تأثیر آن‌ها در فرایند یادگیری اشاره می‌کنیم.

امنیت مدیر

امنیت حرفه‌ای مدیر سبب می‌شود که وی بتواند سیاست‌های درست و حمایتی را بر پایه عدالت و شفافیت طراحی کند. همچنین امکان رهبری مشارکتی در سایه فرهنگ گفت‌وگو و همکاری، ارتباط مؤثر، اعتماد و احترام به دیگران برای او فراهم می‌شود.

امنیت معلم

معلم نیز باید احساس کند که جایگاهش پایدار است و تلاش‌هایش دیده و ارزش‌گذاری می‌شود. آزادی در انتخاب روش‌های تدریس خلاقانه و حمایت او در برابر چالش‌های کلاس درس، از دیگر موارد امنیت معلم است و باعث می‌شود تا او خلاقیت، شور و شوق و عشق را با خود به کلاس درس بیاورد.

امنیت دانش‌آموز

جدا از بحث ایمنی ساختمان، تجهیزات به‌روز و ملزومات بهداشتی که لازمه هر فضای آموزشی است و بخشی از امنیت دانش‌آموزان را تأمین می‌کند، آن‌ها باید بتوانند بدون ترس از تمسخر و تنبیه، پرسش کنند و یاد بگیرند. روابط دوستانه، احترام به تفاوت‌ها، پرهیز از تبعیض و امکان بیان احساسات بدون ترس از قضاوت، پایه‌های امنیت اجتماعی دانش‌آموزان هستند و سبب می‌شوند تا آن‌ها با آرامش و انگیزه یاد بگیرند و پیشرفت کنند.

نتیجه

هر چند عوامل مهمی در «مدرسه امن» و «یادگیری امن» مؤثرند؛ اما این ارکان در حکم سه ضلع مثلث مدرسه امن هستند. هر کدام از اضلاع که ضعیف شوند، کل ساختار مدرسه ناامن می‌شود و «یادگیری پایدار» رخ نمی‌دهد. استحکام این سه ضلع یعنی وجود محیطی امن برای یادگیری و پرورش نسلی مسئولیت‌پذیر، خلاق و توانمند. بارها و بارها در کارگاه‌های متعدد این تابلو نظر ما را به خود جلب کرده است: «اول ایمنی، بعد کار!»

شاید لازم باشد ما هم هر بار به مدرسه وارد می‌شویم، این جمله را زیر لب زمزمه کنیم: «اول امنیت جسمی و روحی دانش‌آموزان، سپس آموزش و یادگیری!» ■